

به نام آن که جان را فکرت آموخت



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

فرهنگ ورزش

- سرشناسه: کولر، کریستیان، ۱۹۷۱ - م.
- عنوان و نام پدیدآور: **Koller, Christian**
- مشخصات نشر: گل: تاریخ فرهنگی و اجتماعی فوتبال نوین / کریستین کولر، فابین براندل؛ مترجمان داوود حیدری، مفید علیزاده. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷.
- مشخصات ظاهری: ۳۸۴ص.
- فروست: فرهنگ ورزش
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۷-۰۳۰-۳
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
- یادداشت: عنوان اصلی:
- عنوان دیگر: **Goal! : a cultural and social history of modern football**, [2015]
- موضوع: تاریخ فرهنگی و اجتماعی فوتبال نوین.
- موضوع: فوتبال -- جنبه‌های اجتماعی
- موضوع: Soccer -- Social aspects
- موضوع: فوتبال -- طرفداران
- موضوع: Soccer fans
- شناسه افزوده: براندل، فابیان، ۱۹۷۰ - م.
- شناسه افزوده: **Brändle, Fabian**
- شناسه افزوده: حیدری، داود، ۱۳۲۸ - ، مترجم
- شناسه افزوده: علیزاده، مفید، ۱۳۴۹ - مترجم
- رده بندی کنگره: GV۹۴۳/۹ ک۳الف / ۱۳۹۷
- رده بندی دیویی: ۷۹۶/۳۳۴
- شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۴۵۰۰۶

گل

تاریخ فرهنگی و اجتماعی فوتبال نوین

کریستین کولر؛ فابین برنڈل

مترجمان داوود حیدری؛ مفید علیزاده



انتشارات
دنیای اقتصاد

انتشارات دنیای اقتصاد

گل

(تاریخ فرهنگی و اجتماعی فوتبال نوین)

کریستین کولر؛ فابین برندل

داوود حیدری؛ مفید علیزاده

حسن کریمزاده

انوشه صادقی آزاد

؟؟؟؟؟؟؟؟

مریم فتاحی

علی سجودی

۳-۳۰-۴۹۷-۶۰۰-۹۷۸

۵۰۰ نسخه

اول ۱۳۹۷

پردیس

تمام حقوق چاپ و نشر، محفوظ و متعلق به ناشر است

ناشر:

نویسندگان:

مترجمان:

مدیر هنری:

مدیر تولید فنی:

طراح جلد:

صفحه آرا:

ناظر فنی:

شابک:

شمارگان:

نوبت چاپ:

چاپ:

©

۷	پیشگفتار ترجمه انگلیسی
۹	مقدمه
۱۷	فصل اول: بازی نخبگان
۲۰	عقل سالم در بدن سالم: فوتبال در مدارس دولتی
۲۶	مقررات و نهادینه‌سازی
۲۹	عصر طلایی «ورزشکار غیرحرفه‌ای نجیب‌زاده»
۳۴	گسترش بین‌المللی و موانع ملی
۵۴	یادداشت‌ها
۶۵	فصل دوم: بازی مردم
۶۸	شهر و هویت
۸۳	مرزهایی در برابر دیگران و نخستین بت‌ها
۹۴	یادداشت‌ها
۱۰۳	فصل سوم: فوتبال و پول
۱۰۴	ایجاد و گسترش صنعت فوتبال
۱۱۴	مسیر طولانی به سوی فوتبال حرفه‌ای در قاره اروپا
۱۳۰	فوتبال به عنوان سرگرمی در عصر جهانی‌شدن
۱۳۹	یادداشت
۱۴۷	فصل چهارم: فوتبال و هیجان
۱۴۹	«دارم دیوانه می‌شوم»: یک بازی مهیج و محرک احساسات
۱۵۷	قهرمان‌ها
۱۷۳	چهره‌های شرور
۱۷۸	لوده‌ها
۱۸۰	بیگانگان
۱۸۵	یادداشت‌ها

۱۹۳	فصل پنجم: فوتبال و ملت
۱۹۴	رقبای اصلی انگلیس: انگلیس در برابر اسکاتلند
۱۹۹	سلتیک در برابر رنجرز: فوتبال و منطقه‌گرایی
۲۰۶	سوئیس در برابر آلمان کبیر: ۹ ژوئن ۱۹۳۸
۲۱۹	آلمان در برابر مجارستان: چهارم ژوئیه ۱۹۴۵
۲۲۷	یادداشت‌ها
۲۳۵	فصل ششم: فوتبال و نزاع طبقاتی
۲۳۶	فوتبال کارگران در اروپای مرکزی
۲۴۸	ناکامی در سرزمین اصلی فوتبال
۲۵۰	بین‌المللی‌گرایی و منازعات عقیدتی
۲۵۷	نتیجه
۲۶۱	یادداشت‌ها
۲۶۷	فصل هفتم: فوتبال و خودکامگی
۲۶۸	بازی فوتبال در زیر داس و چکش
۲۸۷	همزیستی «فوتبال‌شاه» با دوچه، پیشوا و «رییس»
۲۹۸	ژنرال‌های حکومت نظامیان به‌مثابه قهرمانان فوتبال
۳۰۴	نتیجه
۳۰۶	یادداشت‌ها
۳۱۳	فصل هشتم: فوتبال و جنگ
۳۱۸	فرصتی برای بازی فوتبال نیست: «حرفه‌ای‌گرایی و خدمت سربازی در انگلیس»
۳۲۳	ورزش شما را برای جنگ آماده کرد: «فوتبال آلمان در فاصله دو جنگ جهانی»
۳۳۰	فوتبال و خدمت سربازی در جزیره بی‌طرف صلح (سوئیس)
۳۳۸	نتیجه
۳۳۹	یادداشت‌ها
۳۴۵	فصل نهم: فوتبال و جنسیت
۳۴۷	فوتبال و انجمن مردان
۳۵۷	فوتبال زنان و مخالفت مردان
۳۷۶	یادداشت‌ها
۳۸۳	نتیجه‌گیری: آزادی عمل و زمینه

پیشگفتار ترجمه انگلیسی

این کتاب نخست در سال ۲۰۰۲ به زبان آلمانی و پس از گفتگوهای فراوان درباره مسائل مطرح شده در آن با دانشجویان در خلال تدریس مشترک ما در یک نیم‌سال در زمستان ۲۰۰۰-۱۹۹۹ در دانشگاه زوریخ انتشار یافت. با توجه به استقبال کارشناسان و خوانندگان عادی از این کتاب، زمانی که انتشارات دانشگاه کاتولیک آمریکا از ما خواست تا این کتاب را به انگلیسی ترجمه کنیم، از این پیشنهاد استقبال کردیم. برای ترجمه این کتاب از آلمانی به انگلیسی ناگزیر بودیم تا به گونه‌ای جدی در آن بازنگری و آن را به دو علت روزآمد کنیم: نخست اینکه تاریخ طبیعی و اجتماعی فوتبال در خلال دهه گذشته ادامه یافته و بسیاری از گرایش‌ها که در چاپ آلمانی کتاب در سال ۲۰۰۲ تشریح شده‌اند از جمله تجاری‌شدن فوتبال و نقش فزاینده رسانه‌ها و انتقاد از این نقش شتاب بیشتری گرفته است. اما برخی از مسائل دیگر، همچون گرایش به سوی برابری بیشتری جنسیتی در فوتبال تا اندازه‌ای از شتاب افتاده است. از سوی دیگر، پژوهش‌های دانشگاهی درباره تاریخ و پیشینه فوتبال که در سال ۲۰۰۲ ما از اندک بودن شمار این گونه پژوهش‌های ابزار تاسف کرده‌ایم رونق و رواج روزافزونی داشته و تحقیق در این عرصه در محافل دانشگاهی مشروعیت یافته است. حتی در خارج از انگلیس نیز مورخین دانشگاهی به پژوهش درباره فوتبال روی آورده‌اند. چنین تحولی سبب شده است تا کنفرانس‌ها و همایش‌های متعدد علمی و دانشگاهی برگزار

و کتاب‌های فراوانی در زمینه این ورزش نوشته و منتشر شوند. در نتیجه، امروزه پیگیری بحث‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی که در این زمینه ابراز می‌شوند، کاری بس دشوار است. تخصصی‌تر شدن بررسی و مطالعه درباره این رشته ورزشی، نگارش کتاب‌های بیشتر در این زمینه را ضرورت بخشیده است. از این رو، بسیار شادمانیم که توانسته‌ایم این کتاب را برای مخاطبان انگلیسی‌زبان خود آماده و عرضه کنیم.

در سال ۱۹۰۱ یک ناظر زندگی شهری در گلاسگو نوشت، بهترین نکته‌ای که می‌توان درباره فوتبال گفت این است که بهانه‌ای به دست کارگران می‌دهد تا درباره آن صحبت کنند. به باور من، فوتبال در اصل مقوله‌ای برای ارتباط میان مردم است. این ورزش، زمینه را برای بحث‌های پرشور درباره راهبردهای درستی که مربی تیم خودی باید در پیش بگیرد، خاطرات حسرت‌بار گذشته پرافتخار و طلایی و همچنین پیش‌بینی آخرالزمانی و فاجعه‌بار سقوط در فصل آینده فراهم می‌آورد. البته باید توجه داشت که بحث‌های مربوط به فوتبال در خلا صورت نمی‌گیرند، بلکه پیوندی ژرف با بستر و مسائل اجتماعی دارند. برای نمونه، در شهر گلاسگو، رقابت بین تیم‌های سلطیک و رنجرز [۱] در واقع بازتاب کشمکش مذهبی و قومی بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌های ایرلندی است. بازی بین تیم‌های کشورها می‌تواند جنبه حیثیت ملی به خود بگیرد که بهترین نمونه آن پیروزی تیم جمهوری اسلامی ایران بر تیم آمریکا در رقابت‌های جام جهانی در سال ۱۹۹۸ است. از سوی دیگر، صحبت‌های هویت‌آفرین درباره فوتبال می‌تواند به اختلافات و شکاف‌های اجتماعی سرپوش بگذارد چون ورزش فوتبال هوادارانی را پدید می‌آورد که شالوده هواداری آنها روی ملاحظات و شرایط اجتماعی یا باورهای عقیدتی استوار نیست.

در همین راستاست که آلبر کامو، نویسنده و فیلسوف اگزستانسیالیست فرانسوی که در دوران جوانی در تیم ریسینگ دانشگاه الجزیره [۲] دروازه‌بان

و همواره در طول زندگی هوادار تیم ریسینگ پاریس ۲ بوده است، می نویسد هر آنچه درباره اخلاق بشر می دانم از فوتبال آموخته‌ام. همین نوشته کامو کافی است که مورخین به بررسی گذشته و پیشینه فوتبال در جهان روی آورند. مورخین عرصه اجتماعی انگلیس، بیش از یک نسل است که به بررسی تاریخ و مسائل فوتبال پرداخته‌اند. پژوهشگران و اندیشمندان انگلیسی از دهه ۱۹۷۰ به این سو، در بررسی توسعه کلی جامعه صنعتی، به تحقیق در زمینه ورزش به معنی عام آن و فوتبال به گونه خاص نیز سرگرم بوده‌اند. اما در کشورهای دیگری چون دنیای آلمانی زبان، علاقه به تاریخ و سرنوشت فوتبال که تا دهه ۱۹۹۰ چندان جدی تلقی نمی شد، اهمیت خود را از دست نداده است. البته از ابتدای هزاره سوم بود که بررسی ورزش به عنوان مقوله‌ای تاریخی آغاز شد. این کتاب در واقع نگاهی اجمالی به پژوهش‌های بین‌المللی درباره تاریخ فوتبال، و افزون بر این، مشخص‌ساختن پرسش‌ها و مشکلات اجتماعی و فرهنگی تاریخ فوتبال است و انجام پژوهش‌های علمی تازه را در این زمینه ضروری می‌سازد. پژوهش حاضر که جنبه‌گزینی دارد به مفاهیم و مقوله‌هایی مربوط می‌شود که برای ما جالب توجه بوده‌اند. البته بررسی پیشینه فوتبال و مسائل و مشکلات آن بیشتر در قاره اروپا متمرکز است. نیازی به گفتن ندارد که کشورهای آلمانی زبان فقط بخش کوچکی از دنیای فوتبال را تشکیل می‌دهند. ما در بررسی‌های خود فقط به بررسی برخی از پرسش‌های مطرح در این زمینه در مناطقی که کانون فوتبال جهان محسوب می‌شوند از جمله جنوب اروپا و آمریکای لاتین پرداخته‌ایم، گرچه می‌دانیم که شمار روزافزونی کتاب و مقاله درباره مسائل فوتبال در این مناطق از جهان منتشر می‌شوند. این نکته را نیز باید یادآور شویم که اروپای شرقی و قاره آفریقا نیز به تدریج در زمینه فوتبال و بررسی‌های تاریخی این ورزش اهمیت می‌یابند. اما در کتاب حاضر ما چندان بررسی سازمان‌یافته‌ای درباره مسائل فوتبال در این مناطق به عمل نیاورده‌ایم.

عنوان این کتاب «تاریخ فرهنگی و اجتماعی فوتبال» است. حال باید دید منظور ما از انتخاب این عنوان برای این کتاب چیست. نکته نخست اینکه ما در این کتاب به نتایج بازی‌ها و رتبه و مقام تیم‌ها نپرداخته‌ایم. در ضمن، تاریخ بازی‌های

جام جهانی و جام قهرمانی اروپا، بازی‌های بسیار مهم و سرنوشت‌ساز یا گل‌های دیدنی بازی‌ها نیز در این کتاب بررسی نشده‌اند. البته به بعضی از رویدادهای مهم فوتبال اشاره کرده‌ایم. اما همین اشارات نیز در چارچوب و زمینه گسترده‌تر تاریخ اجتماعی و فرهنگی فوتبال صورت گرفته‌اند. دنیای فوتبال با گرایش‌ها و ویژگی‌های مهمی همراه است که تنها در دنیای فوتبال قابل درک و فهم هستند، اما این گرایش‌ها به نوعی با دنیای خارج نیز در ارتباطند. این مسئله هم در سطح خُرد و هم کلان مصداق پیدا می‌کند. یک مورخ انگلیسی که در زمینه فوتبال بررسی‌هایی انجام داده، می‌نویسد خیابان و می‌خانه‌های انگلیس نقش مهمی در شکل‌گیری هویت‌های محلی داشته‌اند. در فرهنگ طبقه کارگر، یک تیم فوتبال به یک محله خاص تعلق دارد.

پسرها با بازی فوتبال در کوچه پس‌کوچه‌ها، قواعد و آداب و رسوم بازی و خشونت‌های مردانه این ورزش را از بزرگ‌ترها فرامی‌گیرند. این آداب و رسوم، در واقع، آنچه را فرهنگ مردمی ماقبل نوگرایی است، تشکیل می‌دهند. در ورزشگاه‌ها، پسری که به تماشای بازی تیم محبوب خود آمده است، خود را با قهرمانان محلی تیم همزاد می‌پندارد. وی قهرمان تیم خودی را با بازیکنان تیم مقابل در شمال انگلیس مقایسه می‌کند. شکل‌گیری فرهنگ توسعه‌یافته ورزشی، احساسات وی را بر می‌انگیزد و میزان وابستگی او به گروه خودی با دیدن قهرمانان تیم مورد علاقه‌اش از نزدیک در میدان‌های ورزشی تقویت می‌شود. همزادپنداری با قهرمان محلی و پسرها، رابطه احساسی مستحکمی است که درست همانند هویت مشترکی که کارگران یک کارخانه یا یک محله خاص دارند، ژرف‌تر از همبستگی آنها با هم‌قطاران اعتصابی در یک شهر دوردست است. به هر حال، فوتبال فقط همزادپنداری به همراه ندارد بلکه تمایز و دیگرانگاری [۳] را نیز با خود به همراه می‌آورد. در بسیاری از مواقع جهان‌بینی افراد به شدت تحت تاثیر فوتبال قرار دارد. دیتر هیلدبراند [۴]، خواننده آلمانی در اظهارنظری درباره فوتبال این مسئله را با هوشمندی خاصی این‌گونه توصیف کرد:

اگر از چند هزار نفر بپرسید که با شنیدن نام لیورپول چه چیزی در ذهن شما تداعی می‌شود، آیا بیتل‌ها یا کوین کگان؟ اینکه آیا

در برلن دیوار وجود دارد یا تیم هر تا بی اس سی؟ در مورد شهر تورین ایتالیا چه، کارخانه خودروسازی فیات یا تیم یوونتوس؟ اینکه فردی که از آلمان غربی به جمهوری دموکراتیک آلمان (آلمان شرقی) می آید به چه موضوعی فکر می کند به هونکر (صدراعظم) یا تیم برمن یا رودلف بارو (بازیگر فیلم و اندیشمند ناراضی) یا یورگن اسپارواسر[۵] (همان کسی که آن گل لعنتی را به ما زد و تیم ارزان قیمت آلمان شرقی یک بر صفر آلمان غربی گران قیمت را شکست داد)، آنها پاسخ خواهند داد اسپاروسر. بُن؟ بُن که دیگر تیم فوتبال ندارد اما کلن که در مجاور برلین واقع شده، تا کنون دوباره قهرمان ملی شده است.

فاصله بین همزادپنداری بین تیم محلی و تیم ملی، گام کوچکی بیش نبوده است. ارتباط میان ملی گرایی و فوتبال، داستانی است که در سراسر جهان شاهد آن هستیم. بازی فوتبال با کلیشه سازی آکنده است. این موضوع هم درباره تصویری که از خود داریم و هم تصویری که از دیگران در ذهن داریم مصداق پیدا می کند. کدام خواننده سیاسی منطقی است که درباره اراده آلمان ها برای پیروزی، جنجالی به راه نیانداخته باشد؟ چه کسی از شکست دادن اسکاتلندی های شوربخت دچار شگفتی نشده است؟ از سوی دیگر، بازیکن گوشه میدان تیم ایتالیا پس از خطایی که از قرار یکی از بازیکنان تیم رقیب مرتکب می شود، همانند خواننده تنور اوپرای جوزپه وردی نعره می زند در صورتی که هم قطار او در خط دفاع یعنی یوهان هوفمن پس از اینکه توپ را از میان پاهای حریف عبور می دهد هیچ گونه هیجانی از خود بروز نمی دهد. آیا هواداران برزیلی فوتبال از چابکی بازیکنان خود در مقایسه با فوتبالیست های توئمند انگلیسی لذت نمی برند؟ آیا ایتالیایی ها از شیک پوشی و برخورد خوب شخصیت های محبوب خود لذت نمی برند؟

یکی از مهم ترین علل موفقیت فوتبال، درهم آمیختن آن با رقابت های فرا-منطقه ای است. فوتبال دوستان به راحتی نتایج مهم مسابقات نهایی را به یاد می آورند. روزنامه ها بی درنگ ترفندهای تماشایی بازیکن میانی پیشرو در

آخرین بازی‌های انجام‌شده را بازتاب می‌دهند. برخی از مسابقات فوتبال در واقع بسیار خاطره‌انگیز هستند. فوتبال در حافظه فرهنگی توده مردم ریشه دوانیده و فوتبالیست‌ها با بهره‌گیری از اسطوره‌ها به قهرمانان افسانه‌ای و دست‌نیافتنی تبدیل می‌شوند. فوتبال قادر است هویت ایجاد کند. این ورزش همانند آیین و مذهبی است که در انتظار قدیس‌ها و اوباشان است و مجامعی برای برگزاری آیین‌ها مراسم، فراهم می‌آورد. ممکن است یک مسابقه به رویدادی باورنکردنی تبدیل شود و با گذشت چندین دهه هواداران فوتبال از یادآوری آن به وجد آیند. یک نمونه در این زمینه، بازی تیم فوتبال «رایید» وین و پانزده دقیقه پایانی بازی این تیم است که همواره در خاطره‌ها باقی خواهد ماند.

در تقویم‌ها روزهای مهم سال همچون عید پاک یا دوشنبه مقدس [۶]، رویداد شاد هفته محسوب می‌شوند. بازیکنان محبوب از چشم می‌افتند. بازیکنان پس از یک پیروزی مهم، درست همانند قهرمانان با حضور در سالن‌های مختلف و با برپایی کنسرت در مراسم پیروزی خود دست‌افشانی و پایکوبی می‌کنند. رسانه‌ها در زنده نگه‌داشتن خاطرات بازی‌های مهم گذشته در مقایسه با آنچه مردم درباره سیاست می‌دانند، نقشی بسیار بزرگ بر عهده دارند. از همان مراحل ابتدایی رواج بازی فوتبال، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران برای گزارش و تشریح بازی‌ها زبانی شبه‌مذهبی ابداع کردند. برای مثال، «تونی تورک خدای فوتبال است». شبکه‌های تلویزیونی در آستانه بازی‌های جام جهانی، لحظات باشکوه تاریخ فوتبال را پخش می‌کنند. پس از هر مسابقه‌ای دوره‌ای، مونتاژها و صحنه‌هایی از شادی تماشاچیان پس از به ثمر رسیدن گل و آه از نهاد برآمدن آنها بر اثر از دست رفتن یک پنالتی از جمله برنامه‌های پربیننده شبکه‌های تلویزیونی و مجله‌های ورزشی است.

باتوجه به پیشرفت پیروزمندانه ورزش فوتبال، لازم است به فضای خالی در این ورزش نیز اشاره کنیم. در ارتباط با ورزش فوتبال باید گفت آنچه بیش از همه در این ورزش جایز خالی است نیمی از جمعیت کره زمین یعنی زنان است. البته در انگلیس بلافاصله پس از پایان جنگ اول جهانی، فوتبال زنان با پیشرفت چشمگیری روبه‌رو شد. بازی‌هایی که به نفع بنگاه‌های

خبریه توسط تیم‌های زنان و تیم‌های مختلط برگزار می‌شد، شمار زیادی از تماشاگران را به خود جلب می‌کرد. اما به هر حال، این بازی‌ها حالت نمایشی و غیرجدی داشت و در سال ۱۹۲۱، انجمن فوتبال انگلیس با انتشار بیانیه‌ای، فوتبال زنان را غیرقانونی اعلام کرد. سپس در دیگر کشورها نیز فوتبال زنان ممنوع اعلام و شاهد تبعیض و دشمنی و محکومیت شد. این وضعیت تا حدود اواخر قرن بیستم ادامه داشت و از آن زمان به این سو اندکی وضعیت فوتبال زنان بهبود یافته است.

جای خالی دیگری که در فوتبال به چشم می‌خورد، آمریکاست. در این کشور، فوتبال جایگاه و فرصت بسیار محدودی در اختیار داشته است. فوتبال که دوست‌داشتنی‌ترین ورزش جهان محسوب می‌شود هنوز در آمریکا جایگاهی به عنوان یک ورزش پول‌ساز بین مردم پیدا نکرده است. جایگاه ممتاز ورزش‌های رقابتی در آمریکا همچون فوتبال آمریکایی، هاکی روی یخ و بیسبال، نقش مهمی در خالی بودن جای آمریکا در ورزش فوتبال داشته است. علت اینکه در آمریکا فوتبال زنان با مخالفت کمتری در مقایسه با دیگر کشورهای جهان روبه‌رو شد آن بود که ورزش‌های دیگر برای قهرمان‌پروری مردان در آمریکا رواج داشت، البته عوامل فرهنگی نیز در این زمینه نقش داشته‌اند. به هر حال، ما نمی‌خواهیم پژوهش خود را فقط به عوامل فرهنگی - تاریخی محدود کنیم. تاریخ فوتبال این نکته را روشن می‌کند که برخلاف روال حاکم برای مطالعات تاریخی که در اواخر قرن بیستم رواج داشت، مسئله نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را نمی‌توان از طریق ارزیابی و بررسی رفتارهای فرهنگی و گفتمان جنسیت کاملاً برطرف ساخت.

تاریخ فوتبال همواره و هم‌اکنون نیز در اصل تاریخ جذب و دفع اجتماعی و تاریخ مبارزه انسان‌های محروم برای دستیابی به زندگی بهتر و تاریخ پیشینه‌کردن سود سوداگران زیرک و شرکت‌های ناشناس بازاریابی است. این واقعیت که یک ورزش که در بین دانش‌آموزان ممتاز انگلیس رواج داشت به ورزش درجه‌اول جهان تبدیل شده است، بر پایه واقعیت‌های ملموس اقتصادی از جمله حرفه‌ای شدن این بازی از همان ابتدا با جود مخالفت طبقه متوسط ثروتمند و اشرافی که بنیان‌گذار این ورزش بودند، استوار است. همین

عامل بود که باعث شد تا کسانی از طبقه پایین‌تر اجتماعی توانستند در سطح ورزش با افراد بالاترین طبقه اجتماعی درهم آمیزند. نکته جالب توجه در این مورد حمایت کارآفرینان کوچک و متوسط از شکل‌گیری نخستین باشگاه‌های فوتبال است. این‌گونه افراد در واقع پادشاهان شهرهای کوچک و محلات محسوب می‌شدند. این‌گونه افراد با درگیر ساختن خود با مسائل سیاسی، از اینکه مورد توجه توده‌های مردم قرار گیرند، شادمان بودند. همین‌الگو چندین دهه بعد نیز بار دیگر در کشورهای قاره اروپا پدیدار شد. فوتبال در قاره اروپا ابتدا توسط بازرگانان و مهندسان روشنفکر که در سال‌های پایانی قرن نوزدهم غرق در ناز و نعمت زندگی انگلیسی برآمده از سرمایه‌داری بودند، رواج یافت کسانی که فرزندان‌شان در زمین‌های چمن خود را با این بازی سرگرم می‌کردند. بازی فوتبال به سرعت از ورزش خاص طبقه اشراف و متوسط خارج شد و به طبقات فرودست جامعه راه یافت و بر اثر چنین تحولی دیگر قادر نبود وجه تمایز سودمندی برای جوانان دانشجو فراهم کند. امروزه از فوتبال به گونه‌ای فزاینده به عنوان ورزش توده‌ها یاد می‌شود بدون اینکه آن‌گونه که هواداران جنبش کارگری امیدوار بودند، به ابزاری برای تقویت آگاهی طبقاتی تبدیل شود. نکته دیگر اینکه تاریخ اجتماعی و فرهنگی را نمی‌توان از یکدیگر مجزا کرد چون این دو مقوله همواره در روندی بی‌وقفه با یکدیگر در تعامل هستند.

در نتیجه، هیچ یک از فصل‌های این کتاب را نمی‌توان فصلی اختصاص یافته به تاریخ اجتماعی یا فرهنگی توصیف کرد. هم جامعه و هم فرهنگ در تاریخ حضور دارند و هرازگاهی یکی از این دو مقوله بر دیگری سیطره دارد. نیازی به گفتن ندارد که مفهوم جامعه‌شناختی تمایز نیز در ضمن همواره با مسائل و امور سیاسی سروکار داشته است. فصل‌های بعدی کتاب به تشریح چگونگی شکل‌گیری فوتبال نوین اختصاص دارند که شالوده آن را همان فوتبالی تشکیل می‌دهد که در مدارس فرزندان طبقه ممتاز انگلیس پدید آمد و مقررات مربوط به آن و نهادینه‌شدنش مدیون باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها در مسیر توسعه و رواج آن و تبدیل شدن به ورزشی جهان‌شمول است. همزمان با بررسی چنین روندی، به چگونگی فراهم آمدن زمینه تبدیل فوتبال به ورزش

و بازی توده مردم پرداخته‌ایم و در ضمن این پرسش را مطرح ساخته‌ایم که فوتبال چه نقشی در عرصه فرهنگی مردمی در اواخر قرن نوزدهم و در خلال قرن بیستم پس از به دست آوردن جایگاه کنونی خود داشته است.

فصل چهارم کتاب به مسئله تجاری شدن فوتبال اختصاص دارد، از پرداخت دستمزدی اندک به بازیکنان طبقه کارگر و دریافت ورودیه از تماشاگران فوتبال تا شرکت‌های کاملاً تجاری فراهم‌آورنده تفریح و سرگرمی که از طریق بازاریابی مربوط به پخش مسابقات از شبکه‌های تلویزیونی سود هنگفتی به دست می‌آورند و از ابتدای قرن حاضر این‌گونه شرکت‌ها به بازارهای بورس راه یافته‌اند. فصل پنجم دربردارنده نکاتی در زمینه هیجان موجود در بازی فوتبال است که با بررسی هیجاناتی که برخی از چهره‌های سرشناس فوتبال از خود نشان داده‌اند، همراه است. در چهار فصل بعدی کتاب نقش احساسات و هیجانات فوتبال در عرصه‌های سیاسی چه در فضاهای که به گونه تصادفی رویدادهای سیاسی و ورزشی بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند، تا استفاده آگاهانه از فوتبال برای اهداف تبلیغاتی. فصل دهم کتاب نیز که فصل پایانی است، روی این مسئله متمرکز است که چرا فوتبال تا کنون همچنان یک ورزش تقریباً مردانه باقی مانده و اینکه چرا زنان از حضور فعال در این عرصه ورزشی بازمانده‌اند.

فصل اول بازی نخبگان

فوتبال نوین مولود قرن نوزدهم میلادی است و توسعه آن در ارتباط نزدیک با فرایندهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و تاریخی قرار دارد که در ابتدا، در خلال انقلاب صنعتی در انگلیس روی داد و پس از اندکی تاخیر در اروپای غربی و مرکزی از آن نسخه برداری شد. این تاخیر موقت را می توان همچنین در مراحل مختلف توسعه فوتبال نوین از جمله رواج یافتن این بازی در مدارس برگزیده شبانه روزی و تاسیس نخستین باشگاه ها، همراه با مشاجره در این زمینه مشاهده کرد که آیا فوتبال فقط یک فعالیت در زمان بیکاری برای بازیگران غیر حرفه ای است یا به یک حرفه برای بهترین بازیگران تبدیل خواهد شد. پیر بوردیو [۷]، جامعه شناس و قوم شناس فرانسوی، تفاوت بنیادین میان ورزش های نوین و بازی های پرطرفدار سنتی فرهنگی نخبگان پیش از دوران نوین را به صورت یک تفریح هدفمند معرفی کرده است. [۸] در حالی که بازی های پیش از عصر نوین همواره در بستری آیینی قرار داشتند. [۹] ورزش در قرن نوزدهم، به مثابه «هنر برای هنر» [۱۰] بدن تلقی می شد. این ورزش الگوهای خاص حرکتی متعلق به ورزش های سنتی را حفظ کرده است، ولی آنها را از کارکردهای سنتی مذهبی و اجتماعی خود جدا کرده و از طریق مجموعه ای از قوانین، جنبه ای منطقی به آنها بخشیده است. با توجه به این پیشینه، توسعه فوتبال نوین را می توان به عنوان نمونه ای برای همه ورزش های نوین به شمار آورد. این تغییر به ویژه در سه مرحله روی داد. [۱۱]

در ابتدا، فوتبال به عنوان یک ورزش قدیمی و خشن به توده مردم [۱۲] تعلق داشت که می‌توان سابقه آن را تا قرون وسطی در جزیره انگلیس (و با نام رایج سوله [۱۳] در شمال فرانسه) ردیابی کرد. [۱۴]

گاهی چنین گفته می‌شود که این فوتبال مردمی مبتنی بر بازی با توپ موسوم به هارپاستوم [۱۵] (برگرفته از یک واژه یونانی) است که از قرار، به وسیله لژیونرهای رومی به انگلیس آورده شد. ولی این گونه پیوستگی و تداوم را نمی‌توان اثبات کرد. گونه قدیمی فوتبال اشتراکات ناچیزی با فوتبال نوین دارد. قوانین مدونی برای آن و محدودیتی در مورد زمین بازی وجود نداشت. زمین بازی گاهی متشکل از همه مساحت یک شهر (با دروازه‌های شهر در نقش دروازه‌های زمین) یا مزارع، مرغزارها و اراضی جنگل‌های میان دو روستا بود. در آشبورن [۱۶] واقع در منطقه دربی‌شایر [۱۷] دو ستون سنگی در فاصله چندین کیلومتری از هم برپا شده بودند که باید توپ با آنها تماس می‌گرفت. این توپ از شکمبه پُربادشده حیوانات ساخته می‌شد. [۱۸] رقابت‌کنندگان در این بازی‌ها اغلب شامل همه مردم روستاها، مناطق حاشیه شهرها یا محلات بودند که از این بازی‌ها برای رقابت‌های بین خود استفاده می‌کردند. به عنوان یک قانون، رقابت‌کنندگان در این بازی‌ها را مردانی از طبقات پایین‌تر جامعه مانند کشاورزان و شاگردان صنعتگران تشکیل می‌دادند. این بازی اغلب در خلال جشن‌ها و تعطیلات مذهبی انجام می‌شد. در خلال سال‌های ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلادی، بازیگران در محلات آل‌سینتس [۱۹] و سنت‌پیترز [۲۰] واقع در دربی [۲۱] به‌طور سنتی در روز «سه‌شنبه اعتراف» با یکدیگر رقابت می‌کردند. در همان روز دو تیم شهری نیز در آشبورن به رقابت می‌پرداختند. بر طبق یک افسانه رایج در دربی، تاریخ این بازی‌ها به دوره باستان و پیروزی مردم شهر درونتیو [۲۲] بر یک واحد نظامی رومی در سال ۲۱۷ بعد از میلاد بازمی‌گردد. [۲۳]

مردم در منطقه کورن‌وال [۲۴] در مراسم عروسی، بازی هرلینگ [۲۵] را که به فوتبال شباهت دارد انجام می‌دادند که در آن میهمانان در یک طرف و مردم محلی در طرف دیگر قرار می‌گرفتند. [۲۶] این بازی به علت ماهیت خشن خود، دائما به زخمی‌شدن و در برخی موارد نیز به کشته‌شدن افراد منجر می‌شد. در نتیجه، بازی فوتبال برای نخستین بار به وسیله ادوارد دوم [۲۷] پادشاه انگلیس، در سال ۱۳۱۴ میلادی ممنوع شد. این واقعت که بازی فوتبال

هر از چند سالی تا قرن هفدهم میلادی، با ممنوعیت تازه‌ای روبه‌رو می‌شد، نشان می‌دهد که فوتبال محلی کوچک و بازاری [۲۸] تا شروع دوره نوین همچنان در جریان بوده است. [۲۹] ولی در اواسط قرن نوزدهم چندان خبری از بازی فوتبال نبود. فرایند چندمرحله‌ای محصورسازی و نرده‌گذاری زمین‌های بایر و عمومی [۳۰]، صنعتی‌شدن، شهرنشینی و نظارت‌های شدید تقریباً باعث از بین رفتن این نوع فوتبال مردمی شد و تنها در چارچوب اجتماعات مردمی بود که بازی سنتی فوتبال در برخی از مناطق زنده نگه داشته شد که نمونه آن، فوتبال مراسم اعتراف [۳۱] بود که هر ساله با نام بازی قدیمی [۳۲] در سه‌شنبه اعتراف و چهارشنبه خاکستر [۳۳] در آشورن میان بالادستی‌ها [۳۴] و پایین‌دستی‌ها [۳۵]، به نمایندگی از ساکنان شمال و جنوب رودخانه همنور [۳۶] که بخشی از زمین بازی بود، انجام می‌شد. نمونه‌های دیگر شامل بازی دیوار و میدان [۳۷] در ایتون [۳۸] و لگدزدن به بطری [۳۹] در هالتون [۴۰] بود که افراد محلی در آنجا عادت به محک‌زدن خود در برابر بیگانگان دارند. [۴۱] از حدود سال ۱۷۵۰، گونه‌هایی از فوتبال کوچک و بازاری [۴۲] به وسیله مدارس برگزیده دولتی ایجاد و تقریباً متمدنانه انجام شد. این بازی در بین سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۶۰ قوانین مشخصی پیدا کرد که تا اندازه‌ای در مدارس مختلف به صورت مکتوب در آمد. در نهایت و به علت اختلاف نظر درباره مجموعه قوانین متفاوت، دو نوع ورزش متفاوت انجمن فوتبال [۴۳] و فوتبال اتحادیه راگی [۴۴] به وجود آمد. در ادامه، فوتبال در خلال سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۸۹۰ گسترش یافت و با شکل تغییر یافته‌ای از مدارس برگزیده [۴۵] خارج شد و به میان مردم آمد. باشگاه‌ها و لیگ‌هایی به وجود آمدند و فوتبال به یک ورزش پرتماشگر و با حضور ورزشکاران برجسته از دهه ۱۸۸۰ به این سو، به یک حرفه تبدیل شد. به موازات توسعه فوتبال به همه طبقات جامعه به‌ویژه در میان طبقات کارگر، نخبگان از فوتبال روی گرداندند و به ورزش‌های اختصاصی‌تر علاقمند شدند.

ما در فصل حاضر به بررسی مرحله نخبه‌گرایی فوتبال، از معرفی آن به مدارس دولتی [۴۶] تا روی‌گردانی اشراف از آن ورزش می‌پردازیم و پیشینه اجتماعی، فرهنگی، تاریخی آن را بررسی می‌کنیم. فصل حاضر فقط معطوف

بر بریتانیای کبیر [۴۷] نیست، بلکه همچنین نشان خواهیم داد که چگونه نخبگان در دانشگاه و عرصه تجارت در اروپای قاره‌ای (و خارج از آن) فوتبال را پذیرفتند و زمینه گسترش جهانی آن را فراهم آوردند. همان‌گونه که اغلب چنین بوده است، انتقال فرهنگ باعث ایجاد سازوکار نخبه‌گرایانه‌ای شد که با ایفای نقش نمونه و تحسین برانگیز به ایجاد رقابت و هم‌چشمی پرداخت.

عقل سالم در بدن سالم: فوتبال در مدارس دولتی

پیش شرط بنیادین برای توسعه ورزش‌های نوین تغییر روابط میان انسان و بدن او بود. [۴۸] عوامل بسیار زیادی بر رویکرد به بدن انسان در انگلیس قرن نوزدهم تاثیر گذاشت. [۴۹] مشخصه جامعه ویکتوریایی، دغدغه بزرگ آن در خصوص مشکلات سلامت جسمانی و روانی بود. بیش از هشت‌هزار پزشک در نیمه نخست قرن نوزدهم در دانشگاه‌های انگلیس آموزش دیدند و بیش از هفتاد بیمارستان تازه در خلال سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۸۶۰ تاسیس شد. رشد سریع شهرهای صنعتی، نگرانی از انباشت زباله و بیماری‌های همه‌گیر را با خود به همراه آورد. در نتیجه، بهداشت به مسئله مهمی تبدیل شد. با توجه به شعار «عقل سالم در بدن سالم» [۵۰]، طبقات تحصیل کرده به شدت متقاعد شدند که بیماری ریشه در نقص جسمانی دارد. از این رو، اعضای طبقه برگزیده تلاش کردند تا از طریق فعالیت‌های مناسب، بدن خود را سالم نگاه دارند. فرانسیس گالتون [۵۱]، دانشمند علوم طبیعی (۱۸۲۲-۱۹۱۱)، در دهه ۱۸۶۰ به بررسی توارث ظرفیت‌های فکری افراد پرداخت. او که متقاعد شده بود هوش نیز همانند ویژگی‌های جسمانی قابل توارث است، امیدوار شد که راهبردی را برای بهبود نسل انسان ایجاد کند که نام آن را علم اصلاح نژاد گذاشت. انسان‌ها با استفاده از قوانین انتخاب طبیعی می‌توانستند بر تکامل خود تسلط [۵۲] یابند. به‌ویژه، نخبگان فکری در انگلیس تشویق به فرزندآوری هرچه بیشتر شدند، ولی این کشورهای آلمان و امریکا و نه انگلیس بودند که در آغاز قرن بیستم، به مراکز اصلاح نژاد تبدیل شدند.

توسعه فوتبال نخبگان همچنین به درک تازه‌ای از مردانگی [۵۳] منجر شد. یک مرد «واقعی» باید اخلاق‌مدار، تندرست و دارای شخصیت معقول بود.

مرد می‌باید همواره بر احساسات و بدن خود تسلط داشت. این ستون‌های هویت مردانگی اعضای طبقه بورژوا و نخبگان اشراف باید آنها را طبق برداشت خود، از زنان بیمارگونه و احساسی و همچنین از اعضای طبقات پایین‌تر، همجنس‌گرایان، مردان جوامع مستعمراتی و یهودیان جدا می‌کرد. این گروه‌های اخیر به عنوان افرادی دارای اخلاقیات مشکوک و از نظر جسمانی، ضعیف یا دارای لذت طلبی های جنسی افراطی تلقی می‌شدند. در نتیجه مدارس نخبگان مکانی برای رشد شخصیت و پرورش جسمی دانش‌آموزان بود و به نظر می‌رسید که ورزش ابزار مناسبی برای دستیابی به این اهداف باشد. دیدگاه‌های هربرت اسپنسر [۵۴] و چارلز داروین [۵۵] تاثیر قابل توجهی بر این مسائل داشت. اندیشمند آزادی‌خواه، هربرت اسپنسر (۱۹۰۳-۱۸۲۰)، که تحت تاثیر جامعه‌شناسی پیشرفت آگوست کنت (۱۸۵۸-۱۷۹۸)، نظریه‌پرداز علوم اجتماعی فرانسه، قرار داشت، جامعه را به همچون موجودی زنده و درحال تکامل تلقی می‌کرد و همانند دو فیلسوف دیگر یعنی جرمی بنتام [۵۶] (۱۸۳۲-۱۷۴۸) و جان استوارت میل [۵۷] (۱۸۰۶-۱۸۳۳) اصول تجربه‌گرایی [۵۸] و فایده‌باوری [۵۹] را به‌کار گرفت. [۶۰] در نتیجه، اسپنسر همه این پدیده‌ها را به قانون فراگیر انتخاب طبیعی نسبت می‌داد که منجر به تکامل یک موجود زنده هرچه انطباق‌پذیرتر با محیط طبیعی خود، یا درباره انسان‌ها هرچه انطباق‌پذیرتر با محیط اجتماعی خود می‌شد. این فرایند انطباق‌پذیری از طریق به‌ارث‌بردن تغییرات کاربردی و حذف موارد ناکارآمد صورت می‌گرفت. نقش حکومت در این الگوی مفهومی، محدود به حمایت از فرایند توسعه و تامین آن از طریق قوانین مناسب بود. «بالا‌ترین خوبی برای بیشترین تعداد» از طریق اصلاحات لیبرالیستی و سیاست اقتصاد آزاد [۶۱] قابل حصول بود که آدام اسمیت [۶۲] (۱۷۹۰-۱۷۲۳) در سال ۱۷۷۶ و در کتاب مهم خود در زمینه اقتصاد ملی با عنوان تحقیقی پیرامون ماهیت و اسباب ثروت ملل خواستار آن شده بود. [۶۳] چارلز داروین (۱۸۸۲-۱۸۰۹)، دانشمند علوم طبیعی، در کتاب خود با عنوان اصل انواع [۶۴] که در ۱۸۵۹ منتشر شد، نظریه به‌اصطلاح تکامل را مطرح کرد که بر اساس آن، اصول تکامل در انواع گونه‌ها [۶۵]، وراثت و افزایش بیش از اندازه مولید [۶۶] نقش ایفا می‌کرد. [۶۷]

این موضوع از «تنازع بقا» به «بقای اصلح» - یعنی انتخاب افراد و گونه‌های تواناتر - انجامید. این الگو به سرعت در خصوص جوامع انسانی (داروینسیم اجتماعی [۶۸]) نیز به کار گرفته شد. در اینجا نیز این عقیده توسعه یافت که نوعی تنازع بقا در میان افراد، ملت‌ها و نژادها در جریان است که در آن، تنها فرد قوی‌تر می‌تواند دوام بیاورد و زنده بماند. روح رقابت که در نتیجه این نظریات، در میان طبقه برگزیده به وجود آمد به شدت موجب تشویق و توسعه ورزش‌های تازه به‌طور کلی، و فوتبال به‌طور خاص شد. به نظر می‌رسید که این بازی نماد رقابت تنظیم‌شده درون جامعه انسانی و در نتیجه، ابزاری برای آماده‌سازی دانش‌آموزان در مدارس شبانه‌روزی برای زندگی در خارج از مدرسه است. به عنوان مثال، در سال ۱۸۹۳، چنین متنی در مجله قرن نوزدهم [۶۹] منتشر می‌شد:

به یقین، هر آنچه باعث تسریع گردش و تصفیه خون و افزایش نشاط باشد، یک عامل اخلاقی محسوب می‌شود. این مسئله به همه سنین مربوط می‌شود، ولی به ویژه در دوره نوجوانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. موهبت فراوان برای این کشور آن است که ورزش فوتبال تا این اندازه مورد استقبال پرشور تقریباً همه نوجوانان و جوانان ما قرار دارد که طبیعت چنین شور و توان سرشاری به آنها اعطا کرده است. صرف وجود فوتبال و درس‌های عملی ترویج‌شده حاصل از آن، ارزشمندتر از همه کتاب‌هایی است که برای حفظ پاک‌ی دوره نوجوانی نوشته شده است. من به نوبه خود می‌گویم با وجود عادات تجملاتی و لذت‌جویانه‌ای که نوجوانان در خانه مطابق آن پرورش می‌یابند، نگرانی مداوم که مبادا آنها انواع نامایمات را متحمل شوند، فقدان این درک که مبادا روح و جسم آنها در اثر تبدیلی دچار ضعف شود و تمایل نظام بازرسی برای کم‌توجهی به رشد شخصیت، هرگز مسئولیت مدرسه‌ای را که در آن سنت ماندگار فوتبال و عشق پرشور به آن وجود نداشته باشد، نخواهم پذیرفت. [۷۰]

مدارس دولتی که برخی از آنها در خلال قرون وسطی تاسیس شده بودند، در اصل به عنوان موسسات خصوصی برای آموزش فرزندان با استعداد طبقه بورژوا ایفای نقش می‌کردند، ولی در شروع قرن هجدهم، بیشتر دانش‌آموزان را فرزندان اشراف بلندپایه و دون‌رتبه تشکیل می‌دادند. این مدارس از حدود سال ۱۷۸۰ صرفاً موسساتی متعلق به طبقه بالای جامعه بودند که یکی از نتایج این تغییر، تضعیف و کاهش قابل توجه اقتدار مدارس بر دانش‌آموزان خود بود و آموزگاران از موقعیت اجتماعی بسیار پایین‌تری نسبت به دانش‌آموزان خود برخوردار و از نظر مالی به شهریه پرداختی از سوی دانش‌آموزان و والدین آنها وابسته بودند. در خلال سال‌های ۱۷۲۸ تا ۱۸۲۳، بیش از ۲۲ مورد شورش دانش‌آموزی در مدارس دولتی روی داد. مدرسه شهر وینچستر [۷۱] تنها در خلال سال‌های ۱۷۷۰ تا ۱۸۱۸ شاهد شش مورد شورش بود و در سال ۱۷۹۷ حتی واردکردن نیروی‌های نظامی به مدرسه شهر راگی [۷۲] برای واداشتن دانش‌آموزان شورشی به آرامش ضروری بود. [۷۳] به موازات این سلسله‌مراتب میان دانش‌آموزان و آموزگاران، یک نظام اغلب مقابل با آن به صورت مدیریت دانش‌آموزان بر خود نیز وجود داشت که طی آن، دانش‌آموزان قوی‌تر سال‌های بالای تحصیلی که سن بیشتری داشتند اغلب، از طریق توسل به خشونت فیزیکی بر دانش‌آموزان ضعیف‌تر و کم‌سال‌تر زور می‌گفتند. این دانش‌آموزان برتر و مسلط بودند که در نیمه دوم قرن هجدهم و اغلب برخلاف خواسته آموزگاران خود، بازی فوتبال را وارد مدارس کردند. این بازی نقش مهمی را در ایجاد و تقویت سلسله‌مراتب قدرت ایفا می‌کرد. دانش‌آموزان کم‌سال‌تر اغلب در خط دفاع بازی می‌کردند و نقش معتبر مهاجم در اختیار دانش‌آموزان بزرگتر و قدیمی‌تر قرار داشت. [۷۴] در حدود سال ۱۸۰۰، شماری از دیگر بازی‌های مشابه، در مدارس دولتی وجود داشت، ولی چندان مناسب‌سازی نشده بودند. پیشرفت صنعتی شدن با خود کشمکش قدرت میان اشرافیت قدیمی و بورژوازی صنعتی متحرک را به همراه آورد. یکی از راه‌هایی که این مناقشه در آن متجلی می‌شد، تلاش برای تسلط بر موسسات اجتماعی مهم از جمله مدارس دولتی بود. در همین بستر است که نیمه اول قرن نوزدهم شاهد شماری از اصلاحات در مدارس دولتی بود که اقتدار آموزگاران را تقویت و

توانایی دانش‌آموزان در مدیریت بر خود را تضعیف کرد.[۷۵]

این فرایند در خلال سال‌های ۱۸۲۸ تا ۱۸۴۲ در مدرسه راگبی [۷۶] و تحت رهبری توماس آرنولد [۷۷] (۱۷۹۵-۱۸۴۲) نظریه پرداز، مورخ و یک معلم جدی شروع شد که به افول نسبی شمار دانش‌آموزان طبقه اشراف انجامید. کارکرد فوتبال نیز در نتیجه آن، تغییر یافت. فوتبال به جای آنکه حوزه‌ای باشد که در آن، دانش‌آموزان استقلال خود را به رخ بکشند، تبدیل به ابزاری در دست آموزگاران برای کنترل اجتماعی و نظم و همچنین ابزاری برای ساختن شخصیت تبدیل شد.

در آن زمان، مجموعه‌ای کامل از مدارس قوانین این بازی را مکتوب کرده بودند. راگبی [۷۸] که به طور کلی به عنوان الگوی آموزشی عمل می‌کرد، بار دیگر نقش پیشتاز را برعهده گرفت و در سال ۱۸۴۶ کتاب قانون با عنوان قوانین فوتبال آن‌گونه که در مدرسه راگبی بازی می‌شود [۷۹] منتشر شد. کمبریج [۸۰] نیز در سال ۱۸۴۸ مجموعه قوانین بسیار متفاوتی را منتشر کرد. در سال ۱۸۴۹ مدرسه ایتون [۸۱] نیز مجموعه قوانینی را تدوین کرد که از سال ۱۷۴۷ در مورد فوتبال به کار گرفته می‌شد. در ابتدا، مسئولان مدارس از فوتبال حمایت می‌کردند تا حس مسئولیت را به دانش‌آموزان قدیمی‌تر که اکنون مسئول سازمان‌دهی بازی‌ها بودند، منتقل سازند. این بازی‌ها باید از مجموعه قوانین خاص پیروی می‌کردند و به نظم و انضباط بسیار زیادی نیاز داشتند. ولی فراتر از همه آنکه، فوتبال به عنوان ابزاری تلقی می‌شد که به وسیله آن، دانش‌آموزان را مطابق با مفاهیم مردانگی دوره ویکتوریایی که پیش از این به آن اشاره شد، شکل می‌دادند. به علت وجود روابط نزدیک میان جسم و عقل که در تفکرات قرن نوزدهمی نقش اساسی را ایفا می‌کرد، طبیعی بود که تمرینات جسمانی برای رشد شخصیت لازم باشد. همین رشد شخصیت بود که هدف اصلی مدارس اصلاح‌شده دولتی محسوب می‌شد. برای اعضای طبقه بالاتر در قرن نوزدهم، فاصله طولانی میان پایان دوره کودکی و ورود به دوره بلوغ واقعی، فرصتی بود که در آن، دانش‌آموزان باید فرامی‌گرفتند تا نقش‌های رهبری را بپذیرند و همچنین بتوانند از مافوق خود تبعیت کنند. قرار بر این بود که آنها بیاموزند چگونه خطر و شکست را با شرافت بپذیرند

و با همه وجود در راه آرمان‌های خود مبارزه کنند ولی از مرزهای مجاز تخطی نکنند. قرار بر این بود که دانش‌آموزان به دنبال رقابت‌های مردانه باشند، ولی در عین حال تفاوت میان نیروی مشروع و نامشروع را در وجود خود نهادینه سازند. در نیمه دوم قرن نوزدهم، بازی فوتبال به عنوان ابزاری در جهت ظهور (دومین) امپراتوری انگلیس در نقش قدرت جهانی در همه قاره‌ها تلقی می‌شود. رییس مدرسه ریپون [۸۲] در سال ۱۸۸۲ در سخنانی گفت:

ولینگتون می‌گفت زمین‌های بازی مدرسه ایتون باعث پیروزی در جنگ واترلو [۸۳] شدند و تردیدی وجود نداشت که آموزش پسران انگلیسی در میدان بازی کریکت و فوتبال، آنها را قادر ساخت تا به هند بروند و در اقیانوس آرام راه خود را از جزیره‌ای به جزیره دیگر باز کنند یا به پیاده‌روی‌های طاقت‌فرسا در مصر بپردازند. تجارب آنها در فوتبال و کریکت به آنها آموخت که چگونه سرپا بایستند و کار کنند و چگونه ضربات را رد و بدل کنند. [۸۴]

علاوه بر این، بازی فوتبال ابزاری را برای بهبود مشکل بلوغ ارائه کرد. طولانی‌شدن این زمان تا پیش از شروع دوره بزرگسالی در قرن نوزدهم با ورود زود هنگام به بلوغ جنسی همراه بود. [۸۵] در نتیجه، مدارس دولتی که جوامعی کاملاً مذکر بودند با شماری از رویه‌های همجنس‌گرایی مواجه شدند و مدیران مدارس با این رویه که با خودارضایی جنسی همراه بود، به شدت مبارزه می‌کردند، زیرا این رفتارها آشکارا، با آرمان مرد آقامنش خویشتن‌دار و مسئولیت‌پذیر دوره ویکتوریا که حس جنسی خود را تا زمان قرارگرفتن در شرایط تشکیل خانواده مهار می‌کرد، در تعارض بود. بازی فوتبال و دیگر فعالیت‌های ورزشی به عنوان ابزاری ثابت‌شده برای هدایت انرژی جوانان در مسیرهای غیرجنسی و در نتیجه پرورش این دانش‌آموزان به صورت افراد آقامنش محسوب می‌شد.

مقررات و نهادینه‌سازی

قوانین تدوین‌شده در دهه ۱۸۴۰ جملگی داری هدف مشترک محدود‌ساختن خشونت در بازی فوتبال بودند. از آنجا که هر مدرسه مجموعه قوانین خود را داشت، رقابت بین مدارس در ابتدا عملاً ناممکن بود. مهم‌ترین تفاوت میان قوانین مدارس مانند راگبی که اجازه استفاده از دست‌ها را می‌داد و قوانین مدارس مانند ایتون و کمبریج بود که فقط ضربه‌زدن به توپ با پا را جایز می‌دانستند. این مشکل نخست به وسیله دانش‌آموزان سابق مطرح می‌شد که می‌خواستند این بازی را که در مدارس دولتی آموخته بودند، ادامه دهند. از قوانین به‌کاررفته از سوی قدیمی‌ترین باشگاه فوتبال به نام «فوتبال کلاب» [۸۶] که از سال ۱۸۲۴ تا ۱۸۴۱ در ادینبورگ [۸۷] وجود داشت، اطلاعی در دست نیست.

قدیمی‌ترین باشگاه فوتبالی که همچنان پابرجاست یعنی شفیلد اف‌سی [۸۸] که در اکتبر ۱۸۵۷ تاسیس شد، از قوانین مدرسه هارو [۸۹] پیروی می‌کرد. ولی باشگاه بلک هیث [۹۰] که در سال ۱۸۵۸ در جنوب شرقی لندن تاسیس شد، استفاده از قوانین مدرسه راگبی را در پیش گرفت. بسیاری دیگر از باشگاه‌های اولیه فوتبال، قوانین صادره از سوی کمبریج در سال ۱۸۴۸ را مورد استفاده قرار می‌دادند. به یقین تصادفی نبود که مجموعه قوانین مختلف بیانگر رقابت بر سر جایگاه مدارس مختلف به‌ویژه مدرسه متری راگبی و مدرسه اشرافی ایتون بود. نخستین باشگاه‌های فوتبال اغلب تشکل برگزیده‌ای و مخصوص طبقه اشراف محسوب می‌شدند. در میان نخستین اعضای ۲۹ نفره موسس باشگاه شفیلد اف‌سی، بیش از یازده نفر کارخانه‌دار، سه وکیل مدافع، دو پزشک، یک جراح، یک دندان‌پزشک، یک نقشه‌بردار، یک مالک کارخانه آبجوسازی، یک دام‌پزشک، یک کارگزار شرط‌بندی، یک معمار، یک دلال مشروبات الکلی و یک کشیش حضور داشتند. [۹۱] اکثر این افراد دانش‌آموزان سابق کالج شفیلد بودند. نخستین باشگاه‌های فوتبال نیز همانند باشگاه‌های کریکت، مکان‌هایی برای گردهمایی نخبگان جامعه محسوب می‌شدند. عضویت افراد حاضر در طبقات بالا و متوسط جامعه معمولاً، باعث توسعه شبکه‌های اجتماعی و تجاری آنها می‌شد. ایجاد چنین ارتباطاتی محدود به باشگاه خود افراد نبود. بازی در برابر دیگر باشگاه‌ها که با گردهمایی‌های